

## ترقی معکوس

### در نامه بهارستان

دکتر سعید رجبزاده

دو سه هفته پیش بود که شماره اول از دوره جدید نامه بهارستان به دستم رسید و ترکیب «دوره جدید» مرا به فکر فرو برد. لابد هر پدیده جدیدی باید بهتر و کارآمدتر از گونه قبلی باشد. اینجانب که از شیفتگان نسخه‌پژوهی‌ام، با اندک بضاعت خویش، به شکل گذرا به بررسی نکاتی چند می‌پردازم تا آیندگان در حق ما گمان بد نبرند و خدای ناکرده نسل ما را به بلاهت یا بی‌اعتنایی متهم نکنند.

در این یادداشت کوتاه بر آن نیستم تا از سردبیر پیشین مجله دفاع کنم و یا به انتخاب ریاست محترم کتابخانه مجلس شورای اسلامی در خصوص سردبیر جدید، انتقاد کنم و توقع داشته باشم که به جای پاس خاطر عزیزان داشتن، جانب فرهنگ و هنر را داشته باشند، بلکه معتقدم که هر شماره از مجله را می‌توان به دست تنی چند از فرهیختگان داد و به مفهوم این بیت پی برد:

در دستگاه اهل حقیقت، مجاز نیست خورشید! را به هیچ معرف نیاز نیست

بگذریم. مجله ارزشمند نامه بهارستان که ستایش صدها ایران‌شناس برجسته و استادان نسخه‌پژوه را برانگیخته بود، به سردبیری آقای نادر مطلبی کاشانی به شماره بیستم نرسیده، فرجامی چون آخر شاهنامه یافت و با سردبیری آقای سعید عریان نخستین شماره از دوره جدیدش در ۲۸۸ صفحه همراه با ویژه‌نامه خوشنویسی در ۱۵۲ صفحه در پاییز ۱۳۹۲ منتشر شد. در اینجا بدون ورود به حواشی مدیران و سردبیران و جز اینها، تنها به عنوان خواننده‌ای علاقه‌مند و نسخه‌پژوه، بر آنم تا نکاتی را فهرستوار به عرض دلسوختگان نسخه‌های خطی و کتاب برسانم.

نخست به اصل مجله می‌پردازم و سپس به ویژه‌نامه خوشنویسی.

۱- جلد مجله هیچ نوشته‌ای از «کتابخانه مجلس شورای اسلامی» ندارد و به راحتی نام ناشر که در پایین نشانه (لوگو) بوده، از روی و پشت جلد حذف شده است. طرح جلد مجله، گویا برای ویژه‌نامه خوشنویسی تهیه شده و برای صرفه جویی در وقت یا هزینه، در اینجا استفاده شده است.

۲- خوشنویسی داخل جلد، سیاه مشقی جعلی و ضعیف است با رقم غلام‌رضا در سال ۱۲۸۸ ق. و جالب است که استاد رضا مشعشی در شناسنامه مجله، مسئولیت این مهم را برعهده داشته‌اند.

۳- صفحه آغاز مجله که محل درج بسمله است، با بسم‌اللهی کاملاً مدرن و ناخوانا و بی‌ارتباط با محتوای مجله، زینت یافته است؛ گویی هیچ یک از نسخه‌های خطی کتابخانه، بسم‌اللهی قابل استفاده نداشته‌اند.

۴- شناسنامه مجله که دو صفحه را به خود اختصاص داده است، بسیار دیدنی است. برای ترجمه چند چکیده نیم صفحه‌ای، سه نفر معرفی شده‌اند، با عناوین جالبی چون: خلاصه نویسی مقالات و ترجمه آنها به فارسی و انگلیسی؛ و همچنین: مدیر داخلی، مترجم و ارتباطات بین‌الملل.

عنوان مبهم دیگری به چشم می‌خورد: مجری طرح. مجری کیست؟ در برابر این عنوان، نام مؤسسه‌ای همراه با شماره تلفن آمده است. معلوم نیست که این مؤسسه مجری، چه را اجرا کرده است؟ آیا صفحه‌آرایی کم‌نظیر مجله منظور است؟ بگذریم. آوردن شماره تلفن مؤسسه خصوصی را در شناسنامه مجله‌ای دولتی، می‌توان نمونه‌ای از آزادی بیان بی‌قید و شرط دانست! سپس به عناوین مشاور فنی و هنری برمی‌خوریم که پیش از مدیر فنی قرار گرفته است و البته هیچ ارتباطی به نسبت ایشان با سردبیر ندارد.

صفحه دوم فهرست، با نام مشاوران علمی آغاز می‌شود که خوشبختانه چنانکه در پراثر هم آمده، «به ترتیب حروف الفبا» است اما در نگاه او متوجه می‌شوید که ترتیب الفبا رعایت نشده است. شاید نیاز بوده تا این مهم نیز به مؤسسه‌ای سپرده شود که سهواً نشده است. البته برای اطمینان از چند نفر از این مشاوران جويا شدم که آیا از ایشان اجازه گرفته شده و یا مقالات را پیش از نشر دیده‌اند، که با تعجب اذعان کردند که در عالم حیرتند.

۵- صفحه چهارم و پنجم مجله به فهرست مقالات اختصاص یافته است. از آوردن تصاویر بی‌ربط سه مقاله در فهرست که بگذریم، مقالات بدون دسته‌بندی و تعریفی خاص ارائه شده‌اند.

البته شاید مرتب کردن مقالات نیازمند هزینه و یا آوردن عنوان‌هایی در فهرست بوده، از قبیل: مرتب‌کننده مقالات و جز اینها که جهت حفظ بیت‌المال، صرفه‌جویی شده است.

مقاله‌هایی چون: «مجموعه اهدایی محمدعلی کریم‌زاده تبریزی» و «نقش شعر در نقش مهر» بسیار دیدنی و خواندنی هستند، چون کمتر از دو صفحه‌اند و بدون هیچ تفکیکی، در میان مقالات جای گرفته‌اند.

یکی از نوآوری‌های دوره جدید مجله در این است که افزون بر چکیده مقاله که در آغاز هر مقاله توسط نویسنده، فراهم شده است، خلاصه‌ای هم از تمام مقالات از صفحه ۲۴۸ تا ۲۶۹ آمده است، شاید با این هدف که مخاطبان تفاوت چکیده و خلاصه مقاله را بهتر متوجه شوند.

۶- صفحه‌های ششم و هفتم به «پیشگفت» سردبیر محترم مربوط است. ابیاتی زیبا از گلشن راز، آغازگر بحث است. سپس نیمی از پیشگفت به این مهم پرداخته است که «چرا فرهنگ گفتاری در برابر فرهنگ نوشتاری غالب است؟»

پس از آن تئوری جدید و قابل تأملی مطرح شده است: «آیا می‌توان خط شکسته نستعلیق را ارثیه خط پهلوی ایران در دوره ساسانی ندانست؟» البته کلی‌گویی‌هایی که مشمول هیچ‌گونه مالیات و عوارضی نیست، سابقه‌ای بس کهن دارد، نمونه را استاد غلام‌حسین امیرخانی در مقدمه «دانشنامه خط نستعلیق» در سال ۱۳۸۰ چنین فرموده‌اند: «... و باید اضافه نمایم که به نظر بنده این احتمال هم وجود دارد که ریشه این خط [نستعلیق] به قبل از اسلام پیوند داشته باشد ...»

سردبیر محترم سپس، هدف گردانندگان! را با عبارات شیوایی بیان داشته است: «گردانندگان این نشریه در دوره جدید بر آنند که تخصص مطروحه در آن یعنی نسخه‌شناسی به معنی عام کلمه را در طیف گستره‌تری از جامعه مطرح سازند و پیوسته به دنبال اهمیت مسائل مبتلابه نشریه باشند تا برشمردن موضوعاتی پیچیده که حتی پاره‌ای از خواص در رشته مربوطه نیز از پرداختن و توجه به آن پرهیز دارند.»

۷- اما درباره صفحه‌آرایی مجله نباید از حق گذشت. ستون بیرونی ۷/۵ سانتیمتر از لبه کاغذ فاصله دارد و ستون داخلی ۱ سانتیمتر با عطف فاصله دارد و انصافاً خواننده را مجبور به گشودن و ورق ورق کردن مجله می‌کند و به شکلی بدیع، ما را به یاد نسخه‌های بی شیرازه می‌اندازد.

۸- یکی از شیوه‌های جذاب در صفحه‌آرایی مجله، همانا آوردن فرازهایی از مطالب در حاشیه صفحات است که بی‌دلیل سال‌هاست که منسوخ شده است و خوشبختانه در این مجله بین‌المللی، این مهم به زیبایی رعایت شده و به یقین برای استخراج این فرازها از دل مقالات، مرارت‌های بسیاری لازم است.

۹- یکی از نوآوری‌های مشاور هنری مجله، این است که در مقاله «اصطلاحات نسخه‌پردازی در مرآت الاصطلاح» تصاویر مورد استفاده پژوهشگر را در آغاز مقاله نیاورده و یک تصویر را در صفحه ۱۸ و دو تصویر دیگر را در صفحه ۲۲ مقاله آورده است و به جهت کمبود فضا و یا رعایت صنعت ایجاز، از ذکر زیرنویس تصاویر نیز خودداری شده است.

۱۰- در مقاله «شاه‌نامه‌های گردی»، نسخه‌های معرفی شده، به شکلی بسیار زیبا و جذاب در صفحه ۷۷ تا ۹۵ جای گرفته‌اند.

\*

در پایان به ذکر چند نکته درباره «ویژه‌نامه خوشنویسی» بسنده می‌کنم.

این ویژه‌نامه گویا به همت یکی از کارشناسان کتابخانه مجلس شورا تهیه شده است، چنانکه از نخستین مقاله با عنوان: «در اقلیم قلم» به روشنی پیداست اما این که پیشگفتار یا دیباچه، چرا در کسوت مقاله ارائه شده است، والله اعلم.

در طرح جلد ویژه‌نامه تصویر خوشنویس شهیر، غلام رضا اصفهانی، نقش بسته است. طراح خوش‌ذوق، تصویر استاد را کافی ندانسته و قطعه‌ای از خطوط وی را به مدد نرم‌افزارهای رایانه‌ای به دست استاد چسبانده است!

در شناسنامه اثر، برای رعایت امانت‌داری، از استاد رضا مشعشی که دو نمونه خط را انتخاب کرده است، این‌گونه یاد شده است: «انتخاب تصاویر خوشنویسی صفحات داخل جلد» اما نامی از فراهم آورنده مقالات در میان نیست.

بنابر «در اقلیم قلم» این ویژه‌نامه به مناسبت انتشار معرفی و نقد کتاب «احوال و آثار درویش عبدالمجید طالقانی» تهیه شده است اما جالب است که تصویر روی جلد، خطوط داخل جلد و نخستین مقاله، درباره غلام رضا اصفهانی است!

در صفحه فهرست، نظمى حتى از گونه ساده الفبايى هم در ترتيب مقالات ديده نمى شود. گويا  
برخى مقالات اين ويژه نامه سهواً در اصل مجله منتشر شده است.

گفتگويى در پايان ويژه نامه جاي گرفته است كه در نگاه نخست به عنوانش، تعجب آور است:  
«پيشينه، ويژگى ها و شرايط تكوين و تكامل خط شكسته نستعليق در گفتگو با استاد غلام حسين  
اميرخانى». اين عنوان، مرا به ياد مصاحبه اى با استاد عباس اخوين در سال ۱۳۸۰ انداخت:  
«مدرک استادى ثلث نويس ها را اهل نستعليق مى دهند». اين نيز نمونه اى از دامن زدن به نظام  
هرمى در هنر كه شكسته نويسان و پژوهشگران تاريخ خوشنويسى را به نفع استاد بزرگ خط  
نستعليق، نادیده انگاريم. البته خوشبختانه در متن گفتگو يکى از استادان برجسته شكسته، حضور  
داشته است.

صفحه آرايى و تنظيم تصاوير در ويژه نامه بسيار منطقى تر اصل مجله است و موارد دررفتگى  
انگشت شمارند، از جمله: از صفحه ۱۱۵ مونتاژ كتاب به هم خورده و حواشى راست و چپ  
برخى صفحات جابجا شده و همچنين از صفحه ۱۳۸ حواشى (مارجين) و اندازه قلم متن به شكل  
ناخوشايندى بهم خورده است.